

به نام خدا

دوستان ما





دوستان ما

■ چه گندم‌های زرد قشنگی! این‌ها را چه
کسی کاشته است؟
کشاورز؛ همان کشاورز کوشایی که دوست
ماست.



■ چه نان گرم و خوش مزه‌ای! چه کسی

آن را پخته است؟

نانوا؛ همان نانواي سحر خيزي كه دوست

ماست.

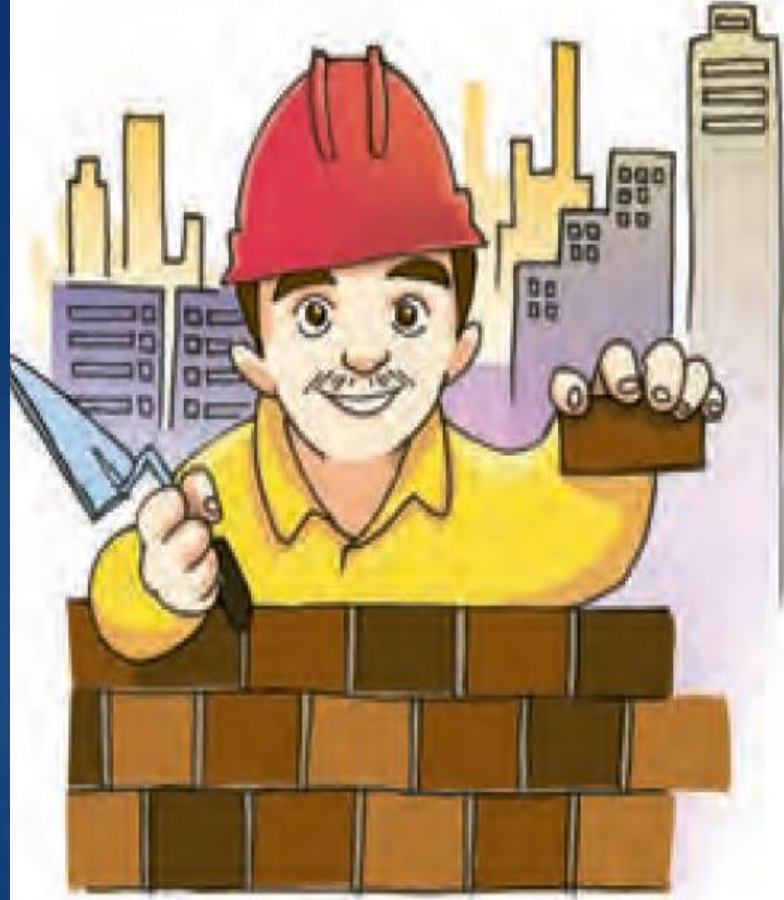


■ چه کوچه ها و خیابان های پاکیزه ای!
چه کسی آن ها را تمیز و پاکیزه کرده

است؟

رُفگر؛ همان رفگر زحمت کش و مهربانی
که دوست ماست.





■ چه خانه های راحت و زیبای! این خانه ها را چه کسی

ساخته است؟

بنا؛ همان بنای پرکاری که دوست ماست.

■ چه باغ های سرسبز و چه گل های خوش رنگی! این

درخت ها و گل ها را در این باغ ها، چه کسی کاشته است؟

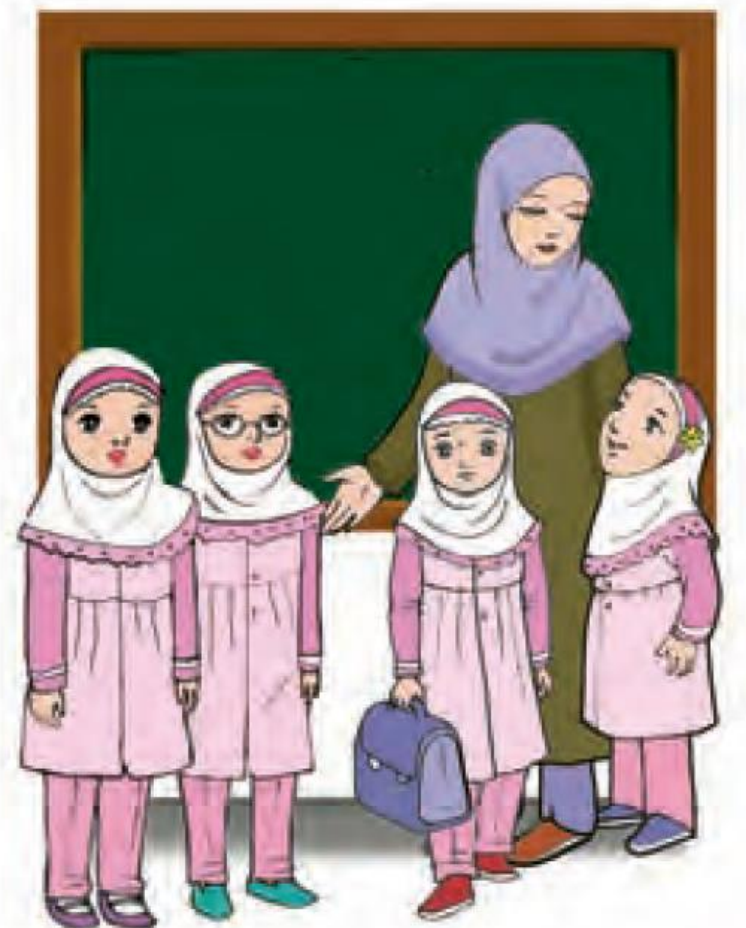
باغبان؛ همان باغبان پر تلاشی که دوست ماست.



■ چه خیابان‌های منظمی! چه رفت و آمد مرتبی! این نظم
و ترتیب را در خیابان‌ها، چه کسی ایجاد کرده است؟
مأمور راهنمایی و رانندگی؛ همان مأموری که دوست ماست.
■ چه کلاس شاد و بانشاطی! چه دانش‌آموزان
دوست‌داشتنی و سخت‌کوشی!
این گل‌های شاداب را چه کسی پرورش داده است؟
معلم؛ همان معلم مهربان و دانایی که دوست ماست.

■ این دوستان خوب و چیزهای قشنگ را چه کسی آفریده

است؟



درست، نادرست



۱. رفتگر مدرسه‌ی ما را تمیز می‌کند.
۲. دانش‌آموزان پرتلاش و مهربان را معلّم پرورش داده است.
۳. این خانه‌های گرم و راحت را کشاورز کوشا ساخته است.
۴.



درست، نادرست

۱. رفتگر مدرسه‌ی ما را تمیز می‌کند. **نادرست**
۲. دانش‌آموزان پرتلاش و مهربان را معلّم پرورش داده است. **درست**
۳. این خانه‌های گرم و راحت را کشاورز کوشا ساخته است. **نادرست**
۴.

گوش کن و بگو



۱. از چه کسانی یا از چه راه‌هایی می‌توانیم پاسخی مناسب، برای پرسش‌هایمان پیدا کنیم؟
۲. به جز دوستانی که در این درس با آن‌ها آشنا شدیم، چه کسان دیگری دوستان ما هستند؟
۳. چگونه از خدا، برای چیزهای خوب و قشنگی که آفریده است، سپاس‌گزاری می‌کنی؟
۴.

جواب ۱: معلم، پدر و مادر، کتاب . مجله

گوش کن و بگو



۱. از چه کسانی یا از چه راه‌هایی می‌توانیم پاسخی مناسب، برای پرسش‌هایمان پیدا کنیم؟
۲. به جز دوستانی که در این درس با آن‌ها آشنا شدیم، چه کسان دیگری دوستان ما هستند؟ **میوه فروش، آرایشگر**
۳. چگونه از خدا، برای چیزهای خوب و قشنگی که آفریده است، سپاس‌گزاری می‌کنی؟
۴. ... **با استفاده ی درست از نعمت های خدا**

خیاط ،

مکان ها



فروشی سازی

شغل ها



فروش ساز

واژه سازی



الف) کی، چی می فروشد؟

شیرینی فروش، شیرینی می فروشد.

سبزی فروش، سبزی می فروشد.

ب) کی، چی می سازد؟

به کسی که دارو می سازد، داروساز می گویند.

به کسی که آهنگ می سازد، آهنگ ساز می گویند.

حالا تو بگو



به کسی که پارچه می فروشد، می گویند.

کلیدساز یعنی،

حالا تو بگو



به کسی که کفش می دوزد، **کفّاش** می گویند.

به کسی که پارچه می فروشد **پارچه فروش** می گویند.

کلیدساز یعنی، **کسی که کلید می سازد**.

به جایی که در آن دارو می فروشند، می گویند.

به جایی که در آن سبزی می فروشند، می گویند.

به جایی که در آن شیرینی می فروشند، می گویند.

به جایی که در آن پارچه می فروشند، می گویند.

به جایی که در آن طلا می فروشند، می گویند.

- به جایی که در آن دارو می فروشند، **داروخانه یا داروفروشی** می گویند.
- به جایی که در آن سبزی می فروشند، **سبزی فروشی** می گویند.
- به جایی که در آن شیرینی می فروشند، **قنادی یا شیرینی فروشی** می گویند.
- به جایی که در آن پارچه می فروشند، **بزازی یا پارچه فروشی** می گویند.
- به جایی که در آن طلا می فروشند، **طلا فروشی** می گویند.

الف) به کسی که از گُل ها مراقبت می کند، می گویند.

ب) به کسی که به ما درس می دهد، می گویند.

پ) به کسی که غذا می پزد، می گویند.

ت) به کسی که در اداره کار می کند، می گویند.

الف) به کسی که از گل ها مراقبت می کند، **باغبان** می گویند.

ب) به کسی که به ما درس می دهد، **آموزگار یا معلم** می گویند.

پ) به کسی که غذا می پزد، **آشپز** می گویند.

ت) به کسی که در اداره کار می کند، **کارمند** می گویند.

هم معنی

سحر خیز

شاداب

اشتباه

قشنگ

خوش مزه

بنا

آفریده

زحمت کش

باغبان

منظم

پرورش

ایجاد کرده است

مخالف

کوشا

شاداب

صحيح

قشنگ

خوش مزه

پر کار

راحت

منظم

دوست

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

..... سحر خیز:

..... شاداب:

..... اشتباه:

..... قشنگ:

..... صحیح:

..... منظم:

..... پرورش:

..... ایجاد کرده است:

..... خوش مزه:

..... بنا:

..... دوستان:

..... کوشا:

..... باغبان:

..... رحمت کش:

..... آفریده:

صفحه ی ۵۶ کتاب فارسی علوی

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

سحر خیز: کسی که صبح زود بیدار می‌شود.	خوش مزه: خوش طعم
شاداب: شاد	بنا: کسی که خانه می‌سازد.
اشتباه: غلط	دوستان: یاران
قشنگ: زیبا	کوشا: پرتلاش
صحیح: درست	باغبان: کسی که گل می‌کارد.
منظم: مرتب	زحمت کش: پرتلاش
پرورش: تربیت و آموزش	آفریده: خلق کرده
ایجاد کرده است: به وجود آورده است.	

کلمات مخالف

..... ≠ قشنگ

..... ≠ خوش مزه

..... ≠ صحيح

..... ≠ منظم

..... ≠ خوش رنگ

..... ≠ دوست

..... ≠ کوشا

..... ≠ پرکار

..... ≠ راحت



کلمات مخالف

قشنگ ≠ زشت

خوش مزه ≠ بد مزه

صحیح ≠ اشتباه

منظم ≠ نامنظم

خوش رنگ ≠ بد رنگ

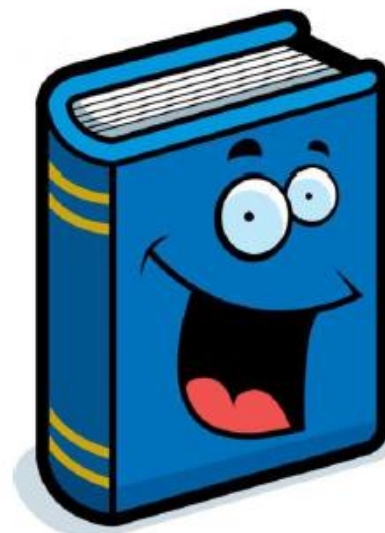
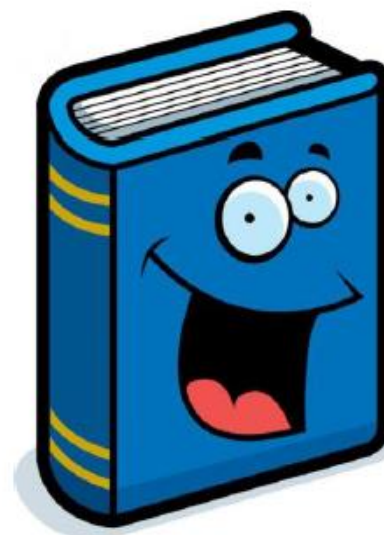
دوست ≠ دشمن

کوشا ≠ تنبل

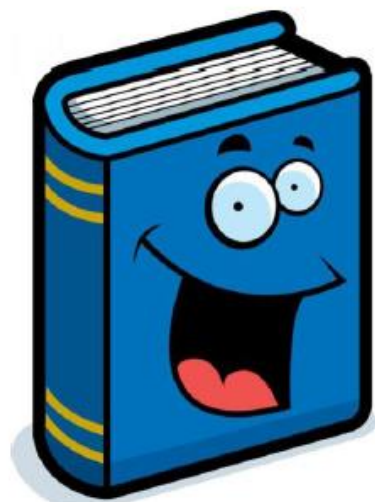
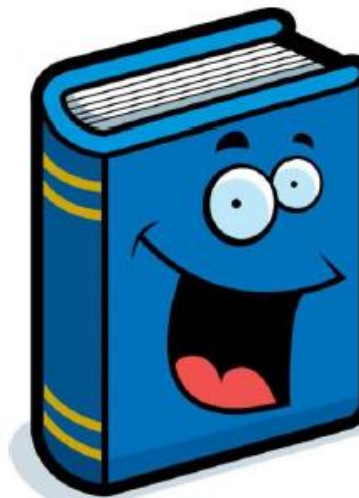
پُرکار ≠ کم کار

راحت ≠ سخت





آن کتاب
همان کتاب



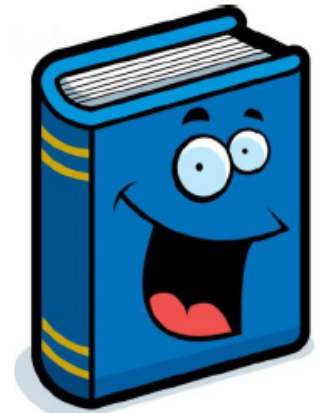
این کتاب
همین کتاب



این کتاب، یعنی کتابی که نزدیک است.
همین کتاب، یعنی کتابی که نزدیک است.



آن کتاب، یعنی کتابی که دور است.
همان کتاب، یعنی کتابی که دور است.



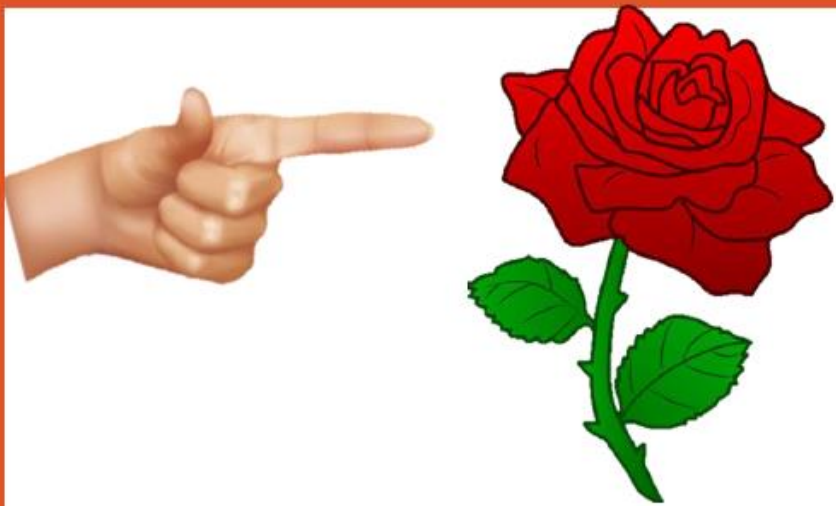


آن گل
همان گل



این گل
همین گل



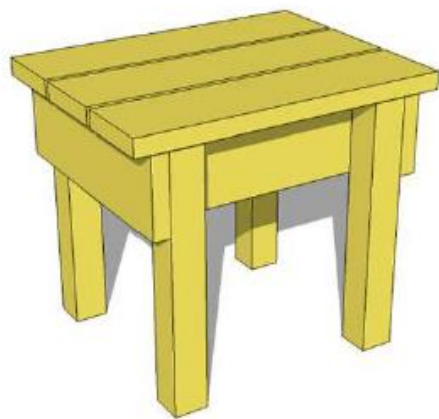
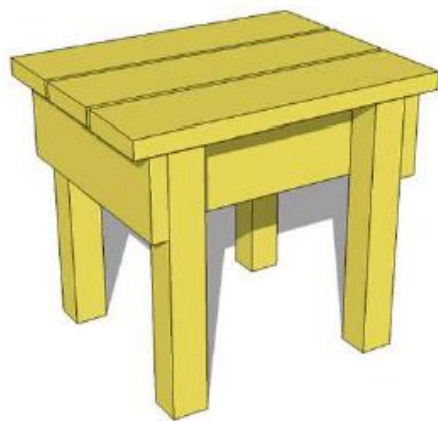


این گل، یعنی گلی که نزدیک است.
همین گل، یعنی گلی که نزدیک است.



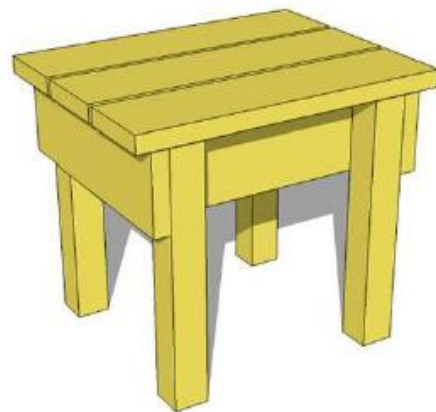
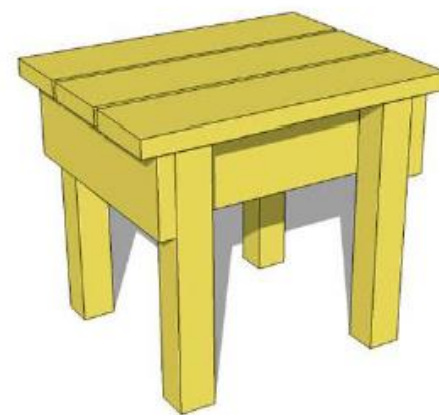
آن گل، یعنی گلی که دور است.
همان گل، یعنی گلی که دور است.







آن میز
همان میز



این میز
همین میز



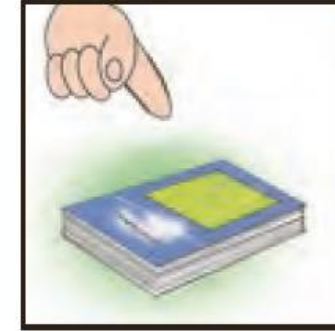
این میز، یعنی میزی که نزدیک است.
همین میز، یعنی میزی که نزدیک است.



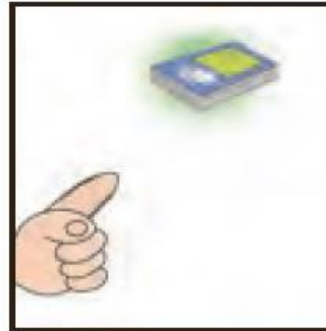
آن میز، یعنی میزی که دور است.
همان میز، یعنی میزی که دور است.



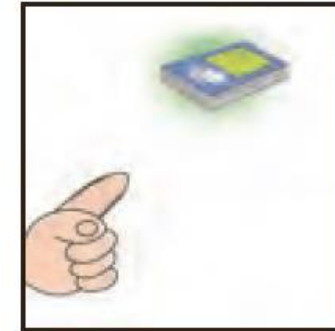
همین کتاب



این کتاب



همان کتاب



آن کتاب

این کتاب، یعنی کتابی که نزدیک است.

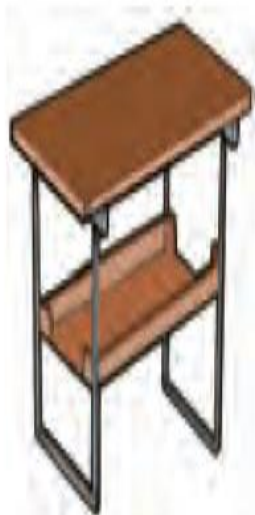
آن کتاب، یعنی کتابی که دور است.

همین کتاب، یعنی کتابی که نزدیک است.

همان کتاب، یعنی کتابی که دور است.

با استفاده از «این» و «آن» نام هر تصویر را بنویس.

۳



نگارش
صفحه
۴۷

با استفاده از «این» و «آن» نام هر تصویر را بنویس.

۳

نگارش

صفحه

۴۷



آن میز یا همان میز



آن پسر یا همان پسر



این سطل یا همین سطل



این ماشین یا همین ماشین

پیداکن و بگو



۱. کلمه‌هایی که نشانه‌های «ه ه» در آن‌ها صدای «ا» می‌دهد.
۲. کلمه‌هایی که نشانه‌های «ط» یا «ظ» دارند.
۳.

بازی، بازی، بازی



- دانش‌آموزی از روی درس بخواند و بقیه‌ی هم‌کلاسی‌هایش با شنیدن کلمه‌هایی که
۱. نشانه‌ی «ح ح» دارند، دست بزنند.
 ۲. نشانه‌ی «ت ت» دارند، هورا بکشند.
 ۳.



پیداکن و بگو

چه، کاشته، خوش مزه، پخته، کوچه، پاکیزه، کرده، ساخته، داده، آفریده

۱. کلمه‌هایی که نشانه‌های «ه» در آن‌ها صدای «ا» می‌دهد.

۲. کلمه‌هایی که نشانه‌های «ط» یا «ظ» دارند. منظمی، نظم، بانشاطی

۳. کلمه‌هایی که با (ها) جمع بسته شده اند.
گندم ها، این ها، کوچه ها، خیابان ها، آن ها، خانه ها



بازی، بازی، بازی

دانش‌آموزی از روی درس بخواند و بقیه‌ی هم کلاسی‌هایش با شنیدن کلمه‌هایی که

۱. نشانه‌ی «ح» دارند، دست بزنند. سحر خیزی، زحمت کش، بانشاطی

۲. نشانه‌ی «ت» دارند، هورا بکشند.

۳.



بخوان و بیندیش

مورچه اشک ریزان،
چرا اشک ریزان؟

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. در یک ده کوچک، پیرزنی زندگی می کرد که نان می پخت؛ چه نان های خوش مزه ای! وقتی بوی نان های خاله پیرزن در هوا می پیچید، همه از پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها و پدرها و مادرها گرفته تا بچه ها، از کلاغ ها، گنجشک ها و جوجه ها گرفته تا مورچه ها، خوش حال می شدند؛ چقدر خوش حال!

یک روز مثل همیشه، خاله پیرزن آرد را خمیر و تنور را روشن کرد، اما تا آمد نان را به تنور بچسباند، نان از دستش افتاد توی تنور. خاله پیرزن خم شد تا نان را بردارد. باز هم خم شد؛ آن قدر خم شد که فقط پاهایش از تنور بیرون ماند.

مورچه ای از آنجا می گذشت. پاهای خاله پیرزن را دید. فکر کرد خاله پیرزن توی تنور افتاده است. گریه و زاری کرد؛ چه گریه ای و فریاد کشید: «خاله به تنور، خاله به تنور.»

گنجشکی از آنجا می گذشت. مورچه را دید که مثل ابر بهار گریه می کند. پرسید: «مورچه اشک ریزان، چرا اشک ریزان؟»

ایستگاه اندیشه



۱. چرا خاله پیرزن داخل تنور خم شد؟
۲. چرا مورچه گریه می کرد؟





مورچه گفت: «خاله به تنور، مورچه اشک ریزان.»
گنجشک این را که شنید، ناراحت شد؛ چقدر ناراحت! از غم و
غُصّه پرهایش ریخت. گنجشک پرزد و روی یک درخت نشست و
جیک جیک کرد؛ آن هم چه جیک جیکی!
درخت دید پرهای گنجشک ریخته است. از گنجشک پرسید:
«گنجشک پَر ریزان، چرا پَر ریزان؟»
گنجشک گفت: «خاله به تنور، مورچه اشک ریزان، گنجشک
پَر ریزان.»

درخت این را که شنید، ناراحت شد؛ چقدر ناراحت! از غم و غُصّه برگ هایش
ریخت.

پیرمرد ماست فروشی که در کنار دیوار ماست می فروخت، صدای ناله ی درخت را شنید
و گفت: «درخت برگ ریزان، چرا برگ ریزان؟»
درخت ناله کرد و گفت: «خاله به تنور، مورچه اشک ریزان، گنجشک پَر ریزان، درخت
برگ ریزان.»

پیرمرد این را که شنید، دلش پُر از غم و غُصّه شد؛ چه غم و غُصّه‌ای! از غم و غُصّه
ماست‌هایش را ریخت روی سر و صورتش.

ایستگاه اندیشه



۳. گنجشک وقتی شنید خاله به تنور افتاده، چه کرد؟

۴. در داستان غم و غُصّه‌ی گنجشک، درخت و پیرمرد چگونه نشان داده شده است؟



از آن طرف، خاله پیرزن نانی را که توی تنور افتاده بود، بیرون آورد. بعد نان‌هایش را پخت و چند تا از آن‌ها را برداشت تا پیش پیرمرد ماست فروش ببرد و ماست بگیرد. توی راه، پیرمرد را دید که با سر و روی ماستی می‌دود؛ آن هم چه دویدنی! پیرزن فریاد زد: «بابا ماست به‌رو، چرا ماست به‌رو؟»

پیرمرد تا خاله پیرزن را دید، فریاد زد: «خاله پیرزن، مگر توی تنور نیفتاده بودی؟ تو که صحیح و سالمی!»

خاله پیرزن گفت: «معلوم است که صحیح و سالم! مگر قرار بود توی تنور بیفتم؟» پیرمرد خوش حال شد؛ چقدر خوش حال! ماست‌ها را از سروصورتش پاک کرد و فریاد زد: «خاله پیرزن که سالم است، نسوخته است.»

مورچه و گنجشک و درخت تا حرف‌های پیرمرد را شنیدند و خاله پیرزن را دیدند، خوش حال شدند؛ چقدر خوش حال!

خبر توی ده پیچید. همه از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و پدرها و مادرها گرفته تا بچه‌ها، از گنجشک‌ها گرفته تا مورچه‌ها، به خانه‌ی خاله پیرزن رفتند. از نان‌های خوش مزه‌اش خوردند و به اشتباه مورچه خندیدند؛ چه خنده‌هایی!

ایستگاه اندیشه



۵. جمله‌های زیر را به ترتیبی که در داستان اتفاق افتاده، شماره‌گذاری کن.

☐ گنجشک از دیدن خاله پیرزن خوش حال شد.

☐ خاله پیرزن نان‌ها را از تنور بیرون آورد.

☐ اهالی ده از نان‌های خوش‌مزه خوردند.

☐ ماست‌فروش فریاد زد خاله پیرزن سالم است.

۶. وقتی خبر سلامتی خاله پیرزن در ده پیچید، چه اتفاقی افتاد؟